

نگاه سبز

کشف قاره هفتم

پانتهآ اردانی

■ اگر برای گذراندن تعطیلات به طبیعت رفته باشید بدون شک با کبسه‌های پلاستیکی که در طبیعت رها شده‌اند مواجه شدید. کبسه‌های پلاستیکی که از مواد نفتی تهیه می‌شوند به طور متوسط ۵۰۰ سال در طبیعت باقی می‌مانند (یعنی تاکنون هیچ کبسه‌ای به طبیعت بازنگشته) و علاوه بر منظره ناخوشایندی که در طبیعت ایجاد می‌کنند زیان‌های دیگری هم برای طبیعت و متعاقبا انسان‌ها دارند. در حال حاضر استفاده از کبسه‌های پلاستیکی یکی از مشکلات جدی دهه‌های اخیر به‌شمار می‌رود.این کبسه‌ها به‌دلیل قیمت ارزان، سبک بودن و دسترسی راحت در مراکز خرید به صورت کنترل نشده‌ای در اختیار مردم قرار می‌گیرند در حالی که استفاده نادرست و بیش از اندازه از این نوع کبسه‌ها می‌تواند در درازمدت اثرات نامطلوبی بر سلامت انسان و محیط‌زیست داشته باشد. علاوه بر مصرف سالانه ۱۰۰–۶۰ میلیون بشکه نفت برای تولید کبسه‌های پلاستیکی، هزاران کیلوگرم کربن در مراحل تولید آن در هوا منتشر می‌شود. یک ارزیابی ساده نشان می‌دهد که مصرف کبسه‌های پلاستیکی در دنیا بیش از ۵۰۰ میلیارد کبسه در سال است، به عبارت دیگر تقریباً در هر دقیقه یک میلیون کبسه مصرف می‌شود (برای اینکه تصور ملموس‌تری از اعداد در ذهن داشته باشید بهتر است بدانید که تنها برای شمردن عدد یکمیلیارد در صورتی که در هر ثانیه یک عدد را شمارش کنید، به بیش از ۳۰ سال زمان نیاز دارید)

اما در تهران نیز روزانه ۲۳ میلیون کبسه پلاستیکی مصرف می‌شود. این رقم حاکی از آن است که هر فرد به‌طور متوسط روزانه سه کبسه پلاستیکی وارد چرخه محیط‌زیست می‌کند. این در حالی است که با مصرف‌نکردن فقط یک کبسه پلاستیکی در هفته در هر خانواده ایرانی می‌توان حدود ۸۱۶ میلیون کبسه پلاستیکی در سال صرفه‌جویی کرد. فقط در انگلستان ممنوعیت استفاده از کبسه‌های پلاستیکی، معادل خراج کردن سالانه ۱۸۰۰۰ خورو از چرخه سوخت این کشور است. کشور چین نیز با اعلام ممنوعیت استفاده از کبسه‌های رایگان پلاستیکی موفق به ذخیره ۳۷ میلیون بشکه نفت در سال شد. همچنین بسیاری از شهروندان، برای حمل نان داغ از این کبسه‌ها استفاده می‌کنند در حالی که از اثرات زیانبار این کار بر سلامت خود آگاهی کافی ندارند. هنگام تماس کبسه‌ها و ظروف پلاستیکی با مایعات و مواد غذایی چرب، اسیدی یا داغ، ترکیبات آنها آزاد شده و وارد بدن انسان می‌شود که این امر بروز انواع بیماری‌ای صعب‌العلاج و ناشناخته را تسهیل می‌کند. کبسه‌های پلاستیکی رها شده در طبیعت نیز در این چرخه نقش مخربی دارند. هنگامی که کبسه‌ها شروع به تجزیه شدن می‌کنند تکه‌های بسیار کوچکی از مواد سمی ناشی از تجزیه به داخل خاک، رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و اقیانوس‌ها نفوذ می‌کند و باعث گسترش آلودگی‌ها می‌شود. این آلودگی‌ها به صورت زنجیره‌ای روی گیاهان و حیات وحش و در نتیجه انسان‌ها تاثیر می‌گذارد.

جالب است بدانید منطقه وسیعی در اقیانوس آرام وجود دارد که زباله‌های پلاستیکی در آن غوطه‌ور هستند. مساحت این منطقه به اندازه یک سوم ایالات متحده آمریکا است. این مجموعه از زباله‌ها در ۱۵ سال گذشته به حدی بزرگ شده است که برخی از دانشمندان که به تازگی آن را اندازه‌گیری کردند آن را قاره هفتم کره زمین نامیدند. این زباله‌ها مجموعه‌ای از زباله‌های پلاستیکی است که توسط انسان در طبیعت و خصوصاً در مناطق ساحلی رها شده‌است. وجود زباله‌های پلاستیکی شناور در آب دریاها و اقیانوس‌ها مشکلات بسیاری را برای اکوسیستم و زیستگاه ازیان برپرداشته و سالانه باعث مرگ‌ومیر بیش از یک میلیون موجود آبی و پرند می‌شود. موجودات دریایی کبسه‌ها را اشتباهاً به جای منبع غذایی خود می‌بلعند و عموماً قهقه می‌شوند. در حالی که استفاده از کبسه‌های پلاچای به جای کبسه‌های پلاستیکی بسیار ساده، به صرفه و بدون زیان خواهد بود؛ به نظر می‌رسد امروزه مردم راحتی خود را به آینده پر مخاطره خود و فرزندانشان ترجیح می‌دهند. فرهنگ استفاده از ساک خرید حتی تا ۲۰ سال گذشته در خانواده‌های ایرانی رواج بسیاری داشته است و با توجه به مشکلاتی که این محصول برای سلامت انسان و محیط زیست دارد این فرهنگ باید در بین مردم احیا شود.

خبر

ما کجاییم و آنها کجا؟

هفته گذشته رییس سازمان محیط‌زیست در پاسخ به طرفداران محیط‌زیست که نسبت به موافقت این سازمان با ساخت جاده در جنگل ابر شاه‌رود انتقاد کرده بودند، گفت: در همه جای دنیا در مناطق حفاظت شده و حساس جاده می‌کشند. در همین حال انجمن باشرگران محیط‌زیست ایران (یلدا) اعلام کرده: مسوولان می‌گویند همه جای دنیا در مناطق حفاظت شده و حساس جاده می‌کشند. ایشان درست می‌گویند ولی فقط طبق معمول بخشی از واقعیت را می‌گویند. این در حالی است که مهم‌ترین مساله در هر پروژه ارزیابی زیست‌محیطی آن است. تصویر بالا نمونه این طرح‌هاست که بدون کوچک‌ترین آسیبی به محیط ساخته می‌شوند. اما به مثل پارک لوپزان که برای چند کیلومتر راه شبانه هزاران درخت را قطع کنند حتی اخیراً کار به جایی رسیده که برای یک دیوار کشی اداره، درخت صدساله را قطع کرده‌اند. بنابراین ما کجا و آنها کجا؟

محیط‌زیست

نگاهی به روش‌های ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی «ایرانی شده»

حذف مشارکت مردمی در تهیه ارزیابی زیست‌محیطی

کامبیز بهرام سلطانی



پارک ملی بخیلو در پوشهر در انتقار تخربیر برای طرح توسعه پارس شمالی /عکس:مژگان جمشیدی

تنوع زیستی

تهدید پیش روی سمندر امپراتور

کوشان مهران

■ روزگاری زیست‌بوم‌های آبی مرغزاران بی‌انتهای کالیفرنیا، کنام سمندر ببری کالیفرنیا (Ambystoma californiense) بود ولی اکنون به دلیل تخریب گسترده زیستگاه‌تهاش جمعیت از آن برجای مانده و نهادهای حفاظتی این گونه را در معرض خطر تلقی می‌نمایند. در کنار عوامل انسانی مغرب زیستگاه اکنون دشواری دیگری باعث تهدید جمعیت این گونه شده است. حدود ۶۰ سال پیش فروشندهگان جانوران دست‌آموز گونه‌ای از سمندر ببری را که بومی تگزاس بود به کالیفرنیا معرفی کردند. سمندره‌های تگزاسی درشت‌جثه و مقاوم به شرایط دشوار زیستگاه بوده و به همین دلیل در آن دوره نگهداری از آنها در آکواریوم مد شده بود. به‌تدریج تعدادی از این نمونه‌ها بنا بر دلایلی چون فرار یا خسته شدن مالکان و معرفی به طبیعت وارد زیست‌بوم جدید شده و با گونه بومی کالیفرنیا مخت و نمونه‌های هیبریدی را تشکیل دادند که خلوص ژنتیکی نمونه‌های بومی را در معرض خطر قرار داده است. به دلیل درشتی جثه و به‌ویژه بزرگ بودن دهان در کنار رقابت بر سر طعمه با نمونه سمندر بومی کالیفرنیا، دو نمونه دیگر قورباغه و سمندر کالیفرنیا که در معرض تهدید هستند در فهرست شکار این گونه ناخواسته قرار گرفته است.

خواسته یا ناخواسته بسیاری از گونه‌های غیربومی وارد زیستگاه‌های جدید شده و در کنار رقابت با گونه‌های بومی به دلیل ایجاد نمونه‌های دورگ خلوص ژنتیکی گونه‌های قدیمی را مورد تهدید قرار می‌دهند. در اسکاتلند و ایرلند معرفی یا فرار نمونه‌های گوزن سبکای بومی ژاین از پارک‌ها باعث هیبرید شدن با گوزن سرخ، بزرگ‌ترین پستاندار بومی کنونی بریتانیا شده و به‌ویژه در ایرلند که به دلیل قرن‌ها فشار انسان و دست رفتن پوشش کهن جنگلی، تعداد گوزن سرخ محدود است، تولید نمونه‌های هیبرید بسیار مشکل آفرین است.

در مورد نمونه‌های بزرگ‌جثه چون گوزن شاید انتقال نمونه غیربومی و حذف نمونه‌های ناخواسته دورگ، راه‌حلی برای نجات خلوص ژنتیکی گونه‌های بومی در معرض نابودی باشد ولی مدیریت جمعیت گونه‌هایی چون سمندر بسیار دشوار است. در پسرهای از موارد با زنده‌گیری و پرورش در اسارت می‌توان جمعیت‌هایی از دوزیستان ایجاد کرد ولی هیچ تضمینی وجود ندارد که پس از معرفی



مجدد به زیستگاه به دلیل وجود نمونه‌های بیگانه یا هیبرید تمام تلاش‌ها به هدر رود. در چند سال گذشته پس از مار بی‌آزار آبی و لاک‌پشت خزری (در کنار لاک‌پشت گوش‌سبز مهاجم چینی) این بار نوبت سمندر آتشین امپراتور شده که باید تقاص هوس‌بازی و سودجویی و بی‌کفایتی را بدهد. قرن‌هاست که زیستگاه‌های زاگرس به شدت تخریب شده‌است. شواهد تاریخی و لکه‌های جنگلی حکایت از وجود گونه‌های جنگلی گوزن مرال و خرس قهوه‌ای در زیستگاه‌های استان مرکزی دارد که اکنون باورش بسیار دشوار است. ولی به‌جز گونه‌های بزرگ و شکارچی‌بسنندی چون گوزن زرد و شیر بسیاری از پرندگان و به‌ویژه گونه‌های حساس به تغییرات محیط، دوزیستان به دلیل نابودی کامل زیستگاه‌ها برای همیشه از دست رفتند. مدارک نشان‌دهنده گستره سمندر ببری کالیفرنیا در چمنزارها پیش از تبدیل به زمین‌های کشاورزی بوده است. به احتمال بسیار زیاد سمندر آتشین لرس‌تان نیز روزگاری در زیستگاه‌های جنگلی می‌زیسته است که اکنون به ماهورهایی خشک بدل شده‌اند.

در روزهای نخست شاید نگهداری سمندری در تنگ یا آکواریوم جالب به نظر برسد اما در هفته دوم کار به تلنگردن به شیشه برای به حرکت درآوردن این جانور به ظاهر مرده رسیده و پس از مدتی با جانور سر را کبسه زاله درمی‌آورد و در خوشبینانه‌ترین حالت در روزهای چون سیزده‌به‌در در دامن طبیعت جنگلی شمال یا پارک‌های تهران (به‌ویژه پارک ملت) رها می‌شود. جانوری گرسنه و ضعیف و پر از استرس ناشی از زیستن در محیطی نامانوس به احتمال زیاد شانس بقا نخواهد داشت ولی همانند تجربه کالیفرنیا این احتمال وجود دارد که در زیستگاه‌های جنگلی شمال و به‌ویژه در حواشی زیست‌بوم‌های آبی، سمندر آتشین لرس‌تان شانس اندکی برای بقا وجود داشته باشد. در وضعیت کنونی به آینده بیشتر گونه‌های جانوری و گیاهی ایران به دلیل تخریب زیستگاه نمی‌توان امیدی داشت پس وای به زمانی که ورود گونه‌های ناخواسته و هیبرید شده بالای جان گونه‌های حساسی چون سمندران شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پارک‌های شهری دارای استخر چون پارک ملت پژوهشی کاربردی درباره احتمال رهاسازی گونه سمندر آتشین لرس‌تان و امکان بقای نسل آن انجام گیرد.

دلیلی مورد تأیید سازمان محیط‌زیست راکت‌گیری کارفرما می‌تواند پرداخت حق‌الزحمه مشاور و مشاوران را به هر دلیلی کان لم یکن تلقی کند. اما با گذشت نزدیک به دو دهه این مشکل هنوز حل نشده و همچنان به قوت خود باقی است و از سوی دیگر نیز کمیته ارزیابی سازمان محیط زیست در سال‌های اخیر از یک کمیته تخصصی و کارشناسی خارج شده و بیشتر به یک کمیته سیاسی تبدیل شده است. از این رو بنا به مصلحت، برخی طرح‌ها مجوز زیست‌محیطی دریافت می‌کنند و گزارش‌هایشان به‌صورت مشروط تأیید می‌شود حال آنکه نظارتی هم از سوی سازمان محیط زیست در روند اجرای پروژه‌ها به دلیل ضعف نیروی کارشناسی و محدودیت نیروهای بازرسی متخصص صورت نمی‌گیرد. از این رو کلاف سرد گرم ارزیابی زیست‌محیطی در ایران هر روز پیچیده‌تر از روز قبل می‌شود و پروژه‌های زیادی نمره قبولی می‌گیرند حال آنکه در بیرون از سازمان محیط زیست بسیاری از کارشناسان منتقد هستند. ساخت پالایشگاه در ۱۰ کیلومتری تالاب بین‌المللی میاتکاله و ساخت بسیاری از سدهای بزرگ روی کارون ، زاینده‌رود ، در ، کرخه و... از جمله طرح‌هایی است که همیشه مورد پرسش واقع شده و سازمان محیط زیست نیز هیچ‌گاه حاضر نشده مطالعات ارزیابی این طرح‌ها در اختیار افکار عمومی قرار دهد. در همین حال زنده‌یاد کامبیز بهرام سلطانی، کارشناس برجسته محیط‌زیست ایران پیش از فوتش مقاله مفصلی را راجع به روش‌های موجود در تهیه گزارش‌های ارزیابی اثرات زیست‌محیطی در ایران نگاشته که مروری مختصر بر آن شاید خالی از فایده نباشد.

مژگان جمشیدی: ناکارآمدی مطالعات ارزیابی اثرات و پیامدهای زیست‌محیطی در ایران همواره موضوع مهمی بوده که بسیاری از متخصصان محیط‌زیست به آن اشاره داشتند. شاید تندترین حملات به مطالعات ارزیابی زیست‌محیطی زمانی که محمد باقر صدوق، معاونت محیط طبیعی سازمان محیط زیست را عهده‌دار بود صورت گرفت. حملاتی که در بسیاری از موارد خوشایند مقام ارشد این سازمان هم واقع نمی‌شد.اما صدوق هر بار تأکید می‌کرد که ریشه بسیاری از تخریب‌های محیط زیست در ایران همین گزارش‌های ارزیابی زیست‌محیطی هستند که همگی مورد تأیید سازمان محیط‌زیست هم واقع می‌شوند. او می‌گفت: «تمامی این سدها ارزیابی زیست‌محیطی دارند، اما آیا حقاًبه دریاچه ارومیه تأمین شده است؟» اما یکی از سرسخت‌ترین منتقدان گزارش‌های ارزیابی اثرات زیست‌محیطی بین کارشناسان مستقل، زنده‌یاد کامبیز بهرام سلطانی بود که در طول دوران جیاتش هر گرز حاضر نشد به خاطر منافع شخصی پروژه‌ای را مطابق خوشایند کارفرما ارزیابی زیست‌محیطی یا توجیه کند. شاید یکی از بزرگ‌ترین اشکالاتی از ارزیابی از قانونی شدن تهیه گزارش‌های ارزیابی زیست‌محیطی برای پروژه‌های بزرگ عمرانی از سال ۱۳۷۳ تاکنون بر آن وارد بوده این باشد که مشاوران ارزیاب در قبال گزارش ارزیابی زیست‌محیطی که تهیه می‌کنند مجبورند حق‌الزحمه خود را از کارفرما یعنی همان مجری طرح‌های عمرانی دریافت کنند. بنابراین طبیعی است که گزارش‌ها باید به گونه‌ای تهیه شود که اقدامات مجری طرح را توجیه کند در غیر این صورت اگر گزارش‌ها به گونه‌ای تهیه شود که به هر

تدوین می‌کند که بر مبنای آن برای دوره‌ای مشخص، طرح زیر نظر مهندس ناظر محیط زیست به اجرا درآید. روش‌های ارزیابی، به ویژه روش‌های متکی بر ماتریس‌ها، با وجود ظاهر «ریاضی‌گونه» خود (استفاده از ارقام و اعداد منطقی و مثبت، انجام عملیات چهارگانه و حتی تنظیم معادلات و غیره) اساساً هیچ ارتباطی با منطق ریاضی ندارند. آنچه به صورت رقم و عدد مثبت و منفی در ماتریس بازتاب می‌یابد، تنها نظر و ذهنیت کارشناسی یا یک نظر subjective است. به همین دلیل معمولاً در روش‌های علمی، در مورد هر شاخص نظر چند کارشناس گرفته شده و از این طریق یک میانگین برداشته می‌شود تا حد ممکن از بار ذهنیت‌گرایی رقم یا عدد کاسته شده و به سمت عینیت‌گرایی یا بی‌طرفی هر چه بیشتر سوق داده شود. دقیقاً یکی از نقاط ضعف ذاتی روش‌های ارزیابی اثرات و پیامدهای زیست‌محیطی، همین ذهنیت‌گرایی نهفته در آن است که امکان دستکاری، اعمال نظر و Manipulation نتایج به دست آمده را به ویژه زمانی که «به فرموده» به انجام می‌رسد، میسر می‌شود. به همین دلیل در دو دهه اخیر، برخلاف دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی که کوشش می‌شد روش‌ها از حالت توصیفی خارج شده و بیشتر جنبه کنّی به خود گیرند، بیشتر روش‌های توصیفی توصیه می‌شود. درست است که روش‌های توصیفی، زمان و حجم کار بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند، ولی نتایج به دست آمده هم دقیق‌تر و هم برای افراد و گروه‌های علاقمند، شفاف‌ترند.

روش ارزیابی اثرات و پیامدهای زیست‌محیطی در ایران از آنجاست که در ایران اصولاً درک نادرستی از مفهوم حفاظت از محیط زیست وجود دارد، این درک نادرست به تمامی شاخه‌های محیط زیست، از جمله ارزیابی اثرات وپیامدهای زیست‌محیطی نیز انتقال یافته است. در ایران ضمن اینکه به مبانی فلسفی ارزیابی اثرات و پیامدهای زیست‌محیطی بی‌توجهی مطلق می‌شود، روش‌شناسی آن نیز دچار دگرگونی‌های ژرف شده است. در حقیقت ارزیابی اثرات و پیامدهای زیست‌محیطی ابزاری مدیریتی است که از جمله می‌تواند به گسترش صنایع محیط‌زیست در کشورهای صنعتی کمک کند، ولی در ایران روش مورد بحث به دلیل فقدان دانش و تکنولوژی زیست‌محیطی لازم، فاقد کارایی است. ضمن اینکه اساساً دیدگاه محیط‌گرایی، دیدگاهی انجرائی و به تعبیری دیگر ادامه همان دیدگاه دوران انقلاب صنعتی است و به همین دلیل با زمانه خود بیگانه است.

در روش ارزیابی زیست‌محیطی «ایرانی شده» کارفرما می‌کوشد تا حد امکان از آرایه اطلاعات دقیق به مشاور ارزیابی خودداری کند و مشاور باید – در بسیاری از موارد – از طریق بررسی طرح‌های مشابه یا بدتر از آن، به شیوه حسد و گمان تحقیقات خود را به پیش برد. همچنین در زمینه تحقیقات میدانی؛ کوشش می‌شود تا حد امکان از تحقیقات میدانی کاسته شده و در عوض از اطلاعات موجود استفاده شود. در وهله نخست یا توجه به اینکه در ایران تغییرات کاربری زمین بسیار سریع و فراگیر است، اطلاعات موجود که ممکن است چند سالی باقی بماند، به پایش عملیات اجرایی مبادرت کرده و برای پایش نیز برنامه‌ای مدون

تطبیقی است. در عین حال در بخش‌هایی که به طور مستقیم به زمینه‌های زیست‌محیطی باز می‌گردد، اصولاً در ایران تولید اطلاعات نمی‌شود؛ آلودگی هوا، آلودگی منابع آب، بار صوتی محیط، آلودگی خاک از این جمله‌اند. در این قبیل موارد کارشناسان مجبورند به حدس و گمان روی آورده و طبیعی است که نتیجه حدس و گمان را هم نمی‌توان کمتی کرد. اطلاعات مربوط به رویش طبیعی و حیات‌وحش نیز همواره به شیوه‌هایی نامعتبر گردآوری می‌شوند. در مورد رویش طبیعی، به عوض استفاده از روش‌های جامعه‌شناسی گیاهی، از روش مرعش‌شناسی استفاده می‌شود که اشتباهی کاملاً آشکار است. وضعیت در مورد حیات‌وحش به مراتب بدتر از شناسایی رویش طبیعی است؛ در این ارتباط، معمولاً از منابع علمی موجود که چند سالی از عمر آنها گذشته استفاده می‌شود و با تکیه بر همین منابع چکلیستی از حیات‌وحش تهیه می‌شود که با واقعیات روز همخوانی ندارد.

در روش ارزیابی اثرات و پیامدهای زیست‌محیطی «ایرانی شده» از اساس «مشارکت مردم» حذف شده است. اولاً در ایران روش برنامه‌ریزی، روشی «پدرسالارانه» است؛ تصمیم‌گیران کارشناسان تصمیم می‌گیرند که چه چیزی برای جامعه لازم و چه چیزی غایب‌الزام است و سپس بر مبنای تصمیمات خود عمل می‌کنند. در نتیجه هر طرح یا پروژه‌ای به مورد ارزیابی اثرات پیامدهای زیست‌محیطی قرار گیرد، نمی‌توانند خارج از چارچوب باشند. در این ارتباط تنها به یک نکته اشاره می‌شود. «این‌نامه» یک واژه حقوقی و «الگو» یک تصمیم‌گیران کارشناسان تصمیم می‌گیرند که چه چیزی برای جامعه لازم و چه چیزی غایب‌الزام است و سپس بر مبنای تصمیمات خود عمل می‌کنند. در نتیجه هر طرح یا پروژه‌ای به مورد ارزیابی اثرات پیامدهای زیست‌محیطی قرار گیرد، نمی‌توان همزمان هم یک آیین‌نامه و هم یک الگوی ارزیابی یا هر چیز دیگری تدوین کرده‌این خود در وهله نخست نشانه بی‌توجهی محض از سوی تهیه‌کنندگان این آیین‌نامه یا الگو است. در مراحل بعدی همین بی‌توجهی به مجریان ارزیابی زیست‌محیطی نیز انتقال می‌یابد.

انجام ارزیابی زیست‌محیطی تنها از عهده گروه‌هایی بر می‌آید که حداقل با تمامی زمینه‌های محیط زیست آشنایی داشته باشند، زیرا تنها در این شرایط است که می‌توان به شناسایی اثرات متقابل بارگذاری و محیط دست یافت و درباره کم و کفی آن قضاوت کرد. این در حالی است که در ایران – مانند سایر زمینه‌های محیط زیست – هر گروه کارشناسی امکان ارزیابی زیست‌محیطی است. نهادهای بین‌المللی نیز – مانند UNDP, World Bank, ICOLD – به این آشفتگی دامن می‌زنند. یکی از فاجعه‌بارترین روش‌های ارزیابی زیست‌محیطی، روش ارزیابی سدهاست که توسط ICOLD تهیه شده و کارفرماهای طرح‌های سدسازی اصرار دارند، جهت ارزیابی حتماً از روش ICOLD استفاده کنند. روشی بسیار کارفرماپسند است، استفاده نشود. درخصوص ادعای توجیه ICOLD از دهه ۱۹۶۰ میلادی به مسایل محیط زیست باید یادآور شد طبق کتابنامه انتشار یافته توسط CIGB-ICOLD; Catalogue 2004 نخستین نشریه منتشر شده در زمینه سد و محیط زیست Bulletin Nr. 35 است که در عنوان محیط زیست و Dams در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۲ انتشار یافت. از بررسی کتابنامه

در روش ارزیابی زیست‌محیطی «ایرانی شده» کارفرما می‌کوشد تا حد امکان از آرایه اطلاعات دقیق به مشاور ارزیابی خودداری کند و مشاور باید – در بسیاری از موارد – از طریق بررسی طرح‌های مشابه یا بدتر از آن، به شیوه حسد و گمان تحقیقات خود را به پیش برد

در روش ارزیابی زیست‌محیطی «ایرانی شده» کارفرما می‌کوشد تا حد امکان از آرایه اطلاعات دقیق به مشاور ارزیابی خودداری کند و مشاور باید – در بسیاری از موارد – از طریق بررسی طرح‌های مشابه یا بدتر از آن، به شیوه حسد و گمان تحقیقات خود را به پیش برد

در روش ارزیابی زیست‌محیطی «ایرانی شده» کارفرما می‌کوشد تا حد امکان از آرایه اطلاعات دقیق به مشاور ارزیابی خودداری کند و مشاور باید – در بسیاری از موارد – از طریق بررسی طرح‌های مشابه یا بدتر از آن، به شیوه حسد و گمان تحقیقات خود را به پیش برد

در روش ارزیابی زیست‌محیطی «ایرانی شده» کارفرما می‌کوشد تا حد امکان از آرایه اطلاعات دقیق به مشاور ارزیابی خودداری کند و مشاور باید – در بسیاری از موارد – از طریق بررسی طرح‌های مشابه یا بدتر از آن، به شیوه حسد و گمان تحقیقات خود را به پیش برد

در روش ارزیابی زیست‌محیطی «ایرانی شده» کارفرما می‌کوشد تا حد امکان از آرایه اطلاعات دقیق به مشاور ارزیابی خودداری کند و مشاور باید – در بسیاری از موارد – از طریق بررسی طرح‌های مشابه یا بدتر از آن، به شیوه حسد و گمان تحقیقات خود را به پیش برد

در روش ارزیابی زیست‌محیطی «ایرانی شده» کارفرما می‌کوشد تا حد امکان از آرایه اطلاعات دقیق به مشاور ارزیابی خودداری کند و مشاور باید – در بسیاری از موارد – از طریق بررسی طرح‌های مشابه یا بدتر از آن، به شیوه حسد و گمان تحقیقات خود را به پیش برد

در روش ارزیابی زیست‌محیطی «ایرانی شده» کارفرما می‌کوشد تا حد امکان از آرایه اطلاعات دقیق به مشاور ارزیابی خودداری کند و مشاور باید – در بسیاری از موارد – از طریق بررسی طرح‌های مشابه یا بدتر از آن، به شیوه حسد و گمان تحقیقات خود را به پیش برد

محکم کند، ولی در ایران روش مورد بحث به دلیل فقدان دانش و تکنولوژی زیست‌محیطی لازم، فاقد کارایی است. ضمن اینکه اساساً دیدگاه محیط‌گرایی، دیدگاهی انجرائی و به تعبیری دیگر ادامه همان دیدگاه دوران انقلاب صنعتی است و به همین دلیل با زمانه خود بیگانه است.

در روش ارزیابی زیست‌محیطی «ایرانی شده» کارفرما می‌کوشد تا حد امکان از آرایه اطلاعات دقیق به مشاور ارزیابی خودداری کند و مشاور باید – در بسیاری از موارد – از طریق بررسی طرح‌های مشابه یا بدتر از آن، به شیوه حسد و گمان تحقیقات خود را به پیش برد.

همچنین در زمینه تحقیقات میدانی؛ کوشش می‌شود تا حد امکان از تحقیقات میدانی کاسته شده و در عوض از اطلاعات موجود استفاده شود. در وهله نخست یا توجه به اینکه در ایران تغییرات کاربری زمین بسیار سریع و فراگیر است، اطلاعات موجود که ممکن است چند سالی باقی بماند، به پایش عملیات اجرایی مبادرت کرده و برای پایش نیز برنامه‌ای مدون